

فهرست کتابخانه شخصی استاد مرتضی مطهری

به مناسبت فهرست کتاب های دوره طلسمی

فهرست نویسی و تنظیم:

علی قدیمی

حسین سرمد محمدی

با مقدمه:

رضا مختاری

سرشناسه : قدیمی، علی، ۱۳۵۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : فهرست کتابخانه شخصی استاد مطهری : به ضمیمه فهرست کتاب های دوره طلبگی
 مشخصات نشر : تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه مرتضی مطهری، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۵۴-۶-۴
 وضعیت فهرست نویسی : فیبای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>
 شماره افزوده : بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۱۴۵۲۵



فهرست کتابخانه شخصی استاد مطهری

به ضمیمه فهرست کتاب های دوره طلبگی

فهرست نویسی و تنظیم: علی قدیمی، حسین سرمد محمدی

© حق چاپ: ۱۳۹۴، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری

ویراستار: زینب صالحی ساداتی

صفحه پرداز: عباس محبعلی

گل روی جلد اثر استاد پرویز اسکندریور خرمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۵۴-۶-۴

ISBN: 978-600-94254-6-4

شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

نشانی: تهران، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان سنجابی، بن بست مریم، شماره ۴۴

قم، بلوار عطاران، بین کوچه ۸ و ۱۰ شماره ۱۳۴

تلفن: ۲۲۷۷۳۵۸۳ (۰۲۱) - ۳۲۹۳۵۸۷۰ (۰۲۵)

نمابر: ۳۲۹۳۵۶۹۱ (۰۲۵)

www.motahari.ir

info@motahari.ir

نوبت چاپ: اول

بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال

سخن ناشر

به گفته نزدیکان و شاگردان، آثار نظم در ریصد استاد شهید مطهری از نوجوانی تا پایان عمر در تحصیل و تدریس و تحقیق و عبادت و زندگی روزمره ایشان هویدا بود. از جمله استاد دهها دفتر از دوران طلبگی و پس از آن داشتند که در یکی از آنها فهرست کتب خود در سن ۲۵ سالگی را ثبت کرده‌اند. این فهرست بخش اول و البته کوتاه کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. بخش دوم و اصلی کتاب حاضر، فهرست کتاب‌خانه شخصی استاد شهید مطهری است که حاوی مشخصات کتاب‌شناختی کتب استاد در زمان شهادت است. این کتاب‌خانه در منزل ایشان، که محل تدریس برخی دروس مثل شرح منظومه و فلسفه تاریخ هم بوده، واقع شده و به شکل اولیه حفظ شده است. برای اهل تحقیق قابل توجه است که استاد شهید با کارنامه پژوهشی درخشانی که از خود به یادگار گذاشت از چه منابعی استفاده می‌کرده‌اند. فهرست دقیق و کامل این کتب با توجه به اینکه ثبت کامل مشخصات کتاب‌شناختی منابع در زمانی که استاد دست به قلم بودند چندان مرسوم نبود به افرادی که می‌خواهند مطالب ارجاع داده‌شده در

نسخه‌هایی را که استاد استفاده می‌کرده‌اند بیابند، کمک شایانی می‌کند. این فهرست از جهات مختلف قابل تحلیل است که آن را به اهل فن وا می‌گذاریم.

فهرست‌برداری از کتاب‌خانه به همت آقایان حسین سرمد محمدی و علی قدیمی انجام شد و نهایتاً جناب آقای قدیمی آن را برای انتشار آماده کردند که از زحمات هر دو بزرگوار سپاس‌گزاری می‌شود. جناب حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری نیز با مقدمه خود بر این کتاب آن را زینت بخشیدند. امید است این اثر انتظارات پژوهش‌گران را از این فهرست برآورده کند.

بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری

معاونت پژوهش

اردیبهشت ۱۳۹۴

www.ketab.ir

فهرست

۹	مقدمه (به قلم حجه الاسلام رضا مختاری)
۱۷	فهرست کتاب‌های دوره طلبگی استاد در سن ۲۵ سالگی
۲۵	فهرست کتاب‌نمانه استاد در زمان شهادت
۲۷	مقدمه (فلم فهرست‌نویس)
۳۱	کلیات و کتاب‌شناسی
۳۴	فلسفه، دین و روان‌شناسی اسلام
۶۴	کلیات، تاریخ و سرگذشت‌نامه
۸۷	علوم قرآنی، احادیث و تفاسیر
۱۰۳	فقه و اصول
۱۱۷	کلام و عقاید و فرق اسلامی
۱۳۲	اخلاق، آداب و رسوم و عرفان
۱۴۳	تاریخ و جغرافیا
۱۶۲	علوم سیاسی، اجتماعی، حقوق و آموزش و پرورش
۱۷۶	زبان و ادبیات
۱۹۳	علوم
۲۰۱	نمایه‌ها
۲۰۲	نمایه پدیدآورندگان
۲۲۷	نمایه عنوان
۲۵۸	نمایه کتاب‌های حاشیه‌نویسی شده

مقدمه

الحمد لله رب العالمين،

والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أفضل الخلائق أجمعين،

وعلى وصيه على أمير المؤمنين وعلی الأئمة المعصومين من آل

الطاهر الطاهر ولا سيما الامام المهدي الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً.

آنچه پیش روی شماست فهرستی است از کتاب‌های کتابخانه استاد شهید مطهری (طیب الله ثراه و جعل الجنة منقلبه و مثواه) و یادداشتی در آن بزرگوار در خصوص کتاب‌هایی که در ۱۳ شوال ۱۳۶۳ ه. ق. در حدود ۲۵ سالگی در اختیار استاد^۱ همین یادداشت دوران جوانی، حاکی از عشق و علاقه وافر ایشان به کتاب، و تنوع علاقه‌مندی و درسی ایشان است و به اطمینان می‌توان گفت بیشتر طلاب امروزی در ۲۵ سالگی حتی نام برخی از این کتاب‌ها به گوششان نخورده، و چه بسا بیشتر این کتاب‌ها را ندیده‌اند و اگر دیده‌اند برق هم نزده‌اند!

کتابخانه ایشان علاوه بر تنوع و گستردگی و اشتغال بر کتب مختلف در رشته‌های گوناگون، نشان‌دهنده اهتمام به منابع دست اول، و عشق به آگاهی و کشف حقیقت و حتی والاست، به طوری که اکنون و در زمان ما، که دسترسی به کتاب و تشکیل کتابخانه بسیار آسان شده است، کمتر کسی چنین کتابخانه‌ای با این تنوع دارد که مشتمل بر کتب منحرفان و

۱. استاد به تصریح خودشان در ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۸ ه. ق. به دنیا آمده‌اند. بنابراین، در ۱۳ شوال ۱۳۶۳، بیست و پنج سال و چهار ماه سن داشته‌اند.

احزاب و گروه‌های غیراسلامی باشد تا بتواند با مراجعه مستقیم و بلاواسطه به نقد علمی آنها بپردازد.

در اینجا بجاست یادآوری شود که در زمان‌های گذشته، تهیه کتاب چندان آسان نبود. مرحوم استاد انصاری شیرازی می‌فرمود: هنگامی که نزد علامه طباطبایی (اعلی الله مقامه) شفا می‌خواندیم استاد یک نسخه شفا داشت و ما عده‌ای از شاگردان هم جمعاً یک نسخه، و چند نفری در جلسه درس روی یک نسخه چشم می‌دوختیم و یک کتاب بیشتر نداشتیم. علامه میر-امد حسین هندی، صاحب *عقبات الانوار* (متوفای ۱۳۰۶ ه.ق.) و مؤسس کتابخانه ناصریه در لکهنو، در یادداشتی بر یکی از کتاب‌هایش می‌نویسد:

آنچه مرا به دست‌های فزون از قیاس حاصل شده، شما را به سهولت تمام حاصل است. اگر ندی از مشقت‌های ما را در تحصیل یک کتاب جزئی دریابید، خون از چشم بازید و قدر این نعمت بدانید، دلیل گذشتن و رفتن بر آب است و محض خیال و سراب. آنچه مقصود است خود به خود می‌رسد. تضييع بر غیر در آبی آن نباید کرد و نام خاندان خود از دست نباید داد و مردانه‌وار یا در مضمار کارزار اشرار باید نهاد.

میرحامد حسین برای تحصیل منابع *عقبات*، حج بسیار کشید و در این زمینه با علمای بلاد، از جمله محدث متبّع حاج میرزا حسین نوری مکاتبه‌ها کرد. عده نامه‌های مبادله‌شده درباره تهیه کتاب‌ها و استنساخ آنهاست.^۱ محدث نوری در یکی از نامه‌هایش به میرحامد حسین می‌نویسد: ضعف دین تا به اینجا رسیده که در جوار امیرالمؤمنین (ع)، کسی را با علم، از کتابی که در آن تقویت دین است مضایقه می‌کند؛ جناب عالی به همت عالی می‌دارید که از بلاد بعید تحصیل کتب مناقب شود.^۲

ذهب الذین یُعاش فی أکنافهم لم یَتَوَّ إِلّا شایئاً أو حاسداً

محدث قمی، شاگرد محدث نوری هم، برای تحصیل و تهیه کتاب متحمل مشقاتی شده، به طوری که وقتی کتاب *المحجة البيضاء* از فیض کاشانی، در ۱۳۴۰ ه.ق. نصیب او می‌شود

۱. دوازده نامه از نامه‌های محدث نوری به میرحامد حسین در جمع پریشان، ج ۱، ص ۵۲-۵۴ چاپ شده است.

۲. رضا مختاری، جمع پریشان، ج ۱، ص ۵۲۶.

می نویسد: «خدایا چگونه شکر نعمت تو را گزارم؟»^۱ ایشان در بازگشت از سفر حج سال ۱۳۲۹ ه.ق. با کشتی از جدّه به هندوستان رفته. در بمبئی کتاب کامل بهایی را خریده است و می گوید:

کامل بهایی در بلدۀ بمبئی به صُبح رسیده، ولکن بسیار کمیاب است، و من در چندین سال قبل، که عبورم به آن شهر افتاد یک نسخه از آن به دست آوردم. لکن افسوس که تصحیح نشده و بسیار قیم است. به حذی که برای غیرمطلع خبر، انتفاع از آن عسر است.^۲

ایشان هر چند در ۱۳۴۱ ه.ق. موفق شده است در مکه نسخه ای از وفاء الوفا یاخیار دار المصطفی، تألیف جهوی، تهیه کند که در آغاز آن نوشته است: «قد دخل فی نوبتی، وأنا العبد عباس القمی، و در کتب مکتبه المکتبه فی ۱۷ ذی الحجه ۱۳۴۱».^۳

آنچه ذکر شد برای نشان دادن اهمیت سلف صالح به تهیه کتاب و منابع علمی، از یک سو، و دشواری های تحصیل آن، از سوی دیگر، بود؛ و متأسفانه امروز حداقل در بخش عمده ای از فضلا و طلاب علوم دینی این شوره شریک و همتام را به رغم آسانی تحصیل کتاب نمی بینیم! به طوری که در جمع طلاب و فضلاء یحیی سهراب، به مناسبتی کتابی را معرفی کردم و از ارزش آن سخن گفتم و از آنها خواستم آن را بتوانند کتاب را برای ارائه با خود برده بدارند. پس از پایان سخنم کسی نپرسید این کتاب کجا چاپ شد؟ و از کجا و چگونه می توان آن را تهیه کرد و بیشتر حضار حتی نگرفتند آن را ورق بزنند! و متأسفانه امروزه نوعی بی رمقی و بی حالی در این خصوص در حوزه دیده می شود و فراوانند کسانی که حتی یک بار هم به نمایشگاه های کتاب بین المللی و استانی سر نزده اند.



در اینجا مناسب است به برخی ویژگی های علمی و پژوهشی استاد مطهری (طاب ثراه) اشاره شود که بی مناسبت با کتابخانه ایشان هم نیست:

۱. نک: همان، ص ۴۱۱.

۲. همان، ص ۴۰۵.

۳. نک: همان، ص ۴۰۷.

۱. مراجعه به منابع دست اول و بلاواسطه؛ در هر پژوهشی شرط اصلی، در صورت امکان، مراجعه به منابع دست اول است و بسیاری از اشتباهات در بسیاری از علوم، ناشی از اکتفا به منابع دست دوم یا دست چندانم است. بهتر و بلکه متعین آن است که سخن و مطلب هر دانشمند یا هر گروهی را از کتب و منابع خود آنها بگیریم نه از منابعی که سخن آنها را احیاناً نفهمیده‌اند یا مغلوطن نقل می‌کنند.

متأسفانه هنوز هم بسیاری از پژوهش‌گران به این نکته بس مهم متفطن نشده‌اند و با وجود سهولت استفاده از منابع دست اول به مصادر ثانوی مراجعه می‌کنند. امروزه فقهی که فقط به وسائل الشریعه مراجعه می‌کند و به منابع اولیه آن نگاهی نمی‌اندازد دچار اشتباهات بسیار می‌شود و مسلماً استنباط و اجتهاد ناقص است؛ زیرا به طور طبیعی در وسائل خطاهایی در متن و سند روایات رخ داده است. گذشته از این، نسخی که شیخ حر عاملی استفاده کرده نسخه‌های مصححی نبوده است.^۱

اهتمام استاد شهید به تحصیل و جمع این کتاب‌ها، نشانه عنایت جدی ایشان به این موضوع است.

۲. توجه به تاریخ علم و بررسی سیر تاریخی و چگونگی تکون و تحول مسائل علوم؛ استاد شهید بر این نکته تأکید بسیار دارند و بی‌توجهی به تاریخ علم را منشأ بسیاری از خبط و خطاها می‌دانند، به ویژه در فقه تأکید کرده‌اند که ما رد پای هر فرع فقهی باید بررسی کنیم تا به زمان ورود آن فرع به فقه و تغییر و تحول‌ها و چگونگی‌های آن فرع پی ببریم.

مهم‌تر از توجه به فروع فقهی، توجه به سابقه و به عبارتی سلسله‌ای هر حدیث است. بی‌توجهی به این موضوع سبب مشکلات بسیاری شده است، به طوری که حدیثی که احتمالاً در سده ششم جعل شده و قبل از آن هیچ اثری از آن در هیچ کتاب معتبر و غیرمعتبر حدیثی نیست، ناگهان تبدیل به حدیثی مشهور می‌شود! محض نمونه و برای اینکه کلی‌گویی نشده باشد می‌افزایم که حدیث منسوب به معلی بن خنیس در فضایل نوروز که با آب و تاب در کتاب‌ها نقل می‌شود قطعاً و یقیناً به ادله و شواهد فراوان معقول است و احتمالاً در فاصله بین

۱. نک: رضا مختاری، غنا و موسیقی، ج ۳، بخش پنجم: احادیث غنا، مقدمه، ص ۲۱۶۳-۲۱۷۴.

شیخ طوسی و ابن ادریس جعل شده است. (البته معلی ثقه است و اهل جعل نیست) و اولین منبعی که از آن یاد کرده سرائر ابن ادریس حلی (۵۴۳-۵۹۸ ه.ق.) است و پس از سرائر به کتب دیگر راه یافته و به تعبیر برخی، حدیثی مشهور بین متأخرین است. در حالی که سرائر آن را به نسخه‌ای از مصباح المتهجد و مختصر المصباح شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) نسبت می‌دهد. ولی این حدیث در نسخه‌های خطی معتبر مصباح المتهجد نیست و در مختصر المصباح هم در پایان آن پس از ختم کتاب افزوده شده است که نشان می‌دهد در اصل مصباح نبوده و گرنه در جام طبعی خود در مختصر المصباح می‌آمد، نه در پایان آن و پس از ختم کتاب.

علاوه بر این، چگونگی آن است که این حدیث مجعول، که نوروز را چه بسا حتی از مبعث خاتم انبیا (ص) هم برتر و اشراف می‌داند و اعمالی از نماز و غسل در آن مقرر می‌دارد در هیچ یک از کتاب‌های فقهی و حدیثی پیش از سرائر ابن ادریس، مانند کتب اربعه حدیث و هدایه و مقنع شیخ صدوق و مقنعه شیخ سید، هیچ یک از کتاب‌های فقهی و حدیثی سید مرتضی و شیخ طوسی و دیگران تا قبل از سرائر ذکر نشده است؟ قرائن و شواهد مجعول بودن آن به حدی است که مجعولیت آن را بدیهی می‌کند؛ و آیا ممکن است شیخ طوسی آن را در مصباح المتهجد نقل کند و در عین حال در کتاب نهی خود (بسط ج ۳، ص ۲۵۵) آن را عید اهل ذمه بدانند؟ و آیا ممکن است حضرت امام صادق (ع) اسناد و آدابی برای نوروز مقرر دارد و فقها از ابن ادریس گرفته تا شهید اول در قرن هشتم، نوروز را چه روزی از سال است و چند احتمال در آن ذکر کنند و برای تعیین آن دست به دامن اسنادات شوند؟! علاوه بر قرائن داخلی و محتوایی دال بر مجعولیت آن، که عجلاناً مجالی برای پرداختن بدان نیست!

باری، اگر به برخی توصیه‌های شهید مطهری توجه می‌شد و در پژوهش‌ها ما را مله نظر قرار می‌گرفت در سررسیدهای چاپ ایران، هر ساله، در تیراژ چه بسا چند صد هزار این دروغ به حجت خدا و حضرت امام صادق (ع) بسته نمی‌شد که «ما من نیروز إلّا و نحن نتوقع فیه الفرّج؛ لأنّه من آیامنا و آیام شیعتنا»!

۳. از خصوصیات استاد شهید مطهری شجاعت در بیان حقایق بود، حقایقی که امروزه بسیاری حتی از زبان و قول استاد هم جرئت بیان آن را ندارند، که نمونه‌اش سخنان ایشان در باب سیزده بدر و نحوست سیزده است. از جمله:

ما اگر بخواهیم از این نحس خارج شویم چه باید بکنیم؟ آیا برویم بیرون شهر، سبزه‌ها را گره بزنیم تا از نحسی خارج شویم؟ یا سمنو بپختن از نحسی خارج می‌شویم؟ یا سبزه را در روز سیزده از خانه بیرون ریختن از نحسی خارج می‌شویم؟ بیچاره! چرا خانه‌ات را در این روز رها می‌کنی و می‌روی به الدنگی؟ از خودت بیرون بیا، از این رفتار زشت خودت بیرون بیا، از این عادت زشت بیرون بیا، از این افکار زشت خودت خارج شو، از این ملکات کثیف و پلیدی که گرفتارش هستی خارج شو، آیا تو با آن کارها از نحوست بیرون می‌آیی؟ سبزه چه گناهی دارد؟ خانه و زندگی‌ات چه گناهی دارد؟ از سمنو چه کاری ساخته است؟ از سبزه گره زدن چه کاری ساخته است؟ به انگار این مردم است که روز سیزده را به عنوان سیزده‌بدر ایرونا می‌روند؟ من نمی‌فهمم آن‌هایی که اسم تئویر افکار و پرورش افکار روی کار خودشان می‌گذارند چرا یک کلمه نمی‌گویند! بعضی بر عکس ترویج و تشویق می‌کنند ... روز ولادت حسین بن علی برای ما تعطیل رسمی نیست ... می‌روزنه سمبل خرافه و حماقت ماست روز تعطیل است. بدانید این مسائل مال اسلام نیست، ابدان سبزه صدقه صدقه غیر صفر. من حتی به تمام مدارک و اخبارش مراجعه کردم. متأسفانه بعضی از علمای دین ما یک چیزهایی راجع به اختیارات روزها نوشته‌اند، وقتی نگاه کردیم دیدیم آنها هم مثل این هستند، که به خیال خودشان مردم را از منجم‌ها برگردانند، از چاه در آورده‌اند به چاله انداخته‌اند؛ به چیزهای بدون سندی را نقل کرده‌اند. ولی ما اخبار بسیار معتبری در این زمینه داریم که به ما گفته‌اند: این دنبال این حرف‌ها نروید...

ولی ما در متون احادیث معتبر خودمان از این حرف‌ها چیزی نداریم؛ یک چیزهایی در قرن ششم و هفتم شاید به نام حدیث درآمده و قبل از آن در حدیث آمده، یا اگر قبل از آن اندکی هست، بدون سند است و بدون اینکه معلوم باشد که از کجا پیدا شده، هم قدر می‌گوید که در فلان کتاب چنین حرفی آمده و فلان عالم هم آن را نقل کرده است. اینها ربط به اسلام نیست.^۱

با این همه فریاد و تحلیل دقیق استاد شهید درباره نحوست نداشتن سبزه و چهارشنبه و مانند اینها، با کمال تأسف در برخی کتب رایج می‌خوانیم:

رسول خدا فرموده است: «آخرین چهارشنبه هر ماه همواره روز نامبارکی است» ...
امام صادق (ع) از پدرانش روایت کرده است که ... چهارشنبه همواره نحوست و ناخوشایندی دارد!

شاید استاد شهید حدیث عبرت آموز و تکان دهنده حضرت امام رضا (ع) را درباره اصحاب رس، که در قرآن کریم در عداد قوم عاد، قوم ثمود و قوم نوح ذکر شده اند،^۱ و شیخ صدوق در *علل الشرایع و عیون اخبار الرضا (ع)* (ج ۱، ص ۴۱۸، باب ۱۶، با ترجمه مرحوم غفاری) روایت کرده ندیده اند و گرنه با استشهاد به آن حدیث چه بسا شدیدتر و رساتر این خرافه های رایج را محکوم می کردند. مضمون بخشی از حدیث به اجمال آن است که قوم رس دوازده روز پس از اسفند جشن و پای کوبی و شراب خواری کردند و به نصایح پیامبرشان گوش فرا ندادند و او را کشتند. دجا غذایی دردناک شدند؛ و بعد نیست تعطیل دوازده روز پس از اسفند و ختم آن به سیزده بدر از رسوه. آیین های اصحاب رس باشد که به یادگار مانده است.

به هر حال، تألی در این حدیث شریف و بررسی جوانب آن، بسیار مفید است. ولی اکنون حتی صدا و سیما و آثار جمعی که هم جرئت ندارند به این گونه سخنان روشنگرانه استاد شهید پردازند و بنده تاکنون نشنیده ام چینی حدیث اصحاب رس را برای مردم خوانده باشد!

۴. انصاف علمی از دیگر ویژگی های استاد شهید است. برخی برای اینکه سخنی را رد کنند آن را دست و پا شکسته و ناقص نقل می کنند تا با راحتی آن را رد کنند! در حالی که استاد سخنی را که می خواهند رد کنند چه بسا بسیار زیباتر از صاحب آن سخن آن را تقریر و پردازش می کنند و آنگاه به نقد و رد آن می پردازند.

۵. دیگر ویژگی استاد صداقت در پژوهش و تألیف است. می دانیم برخی آثار استاد، به قلم ایشان، و برخی مکتوب شده سخنرانی ها و بیانات ایشان است که در قالب ده گفتار و مانند آن چاپ شده و کاملاً معلوم است که کدام یک به قلم استاد است و کدام یک سخنرانی. ولی متأسفانه امروزه می بینیم بسیاری از کتاب ها پیاده شده متن سخنرانی و درس فایده استاد است که عده زیادی ساعات متعددی روی آن کار کرده اند تا به شکل کتاب درآمد استاد ولی به نام تألیف و به قلم نویسنده عرضه و منتشر می شود و هیچ جا، نه در مقدمه، نه در شناس نامه کتاب، از سرنوشت آن، سخن به میان نمی آید!

۱۶ فهرست کتابخانه شخصی استاد مطهری

سخن را همین جا با درود بیکران به روان پاک استاد به پایان می‌برم و می‌افزایم که استاد در پایان فهرست کتاب‌های در اختیارش در ۱۳۶۳ ه.ق.، سال خمسی خود را هم روز ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۶۳ ذکر کرده‌اند که تعبّد و تقیّد دقیق ایشان را در دوران تنگ‌دستی و نداری نشان می‌دهد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه

۲۰ جمادی‌الثانی ۱۴۳۶ = ۲۲ فروردین ۱۳۹۴

رضا مختاری

www.ketab.ir